



تحلیلی بر روند اشتغال در مناطق روستایی در ایران

دکتر لطفعلی عاقلی^{*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۸

چکیده:

اشتغال به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه روستایی و کشاورزی به شمار می‌رود. آسایش خاطر و تأمین رفاه جسمی و روانی در سایه دستیابی به شغل و حرفه مناسب تحقق می‌یابد. این مقاله تلاش کرده وضعیت اشتغال را در نقاط روستایی ایران تحلیل کند. داده‌های آماری در دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۸ از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی اخذ شده است. در این دوره، ۵ برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا شده و برنامه ششم توسعه در جریان است. طی این دوره، از جمعیت روستایی کشور کاسته شده اما نرخ اشتغال روستایی، نوسانی و متغیر بوده است. نرخ اشتغال در بخش کشاورزی به طور متوسط حول و حوش ۵۱ درصد پایدار مانده است و این بخش همچنان برتری خود را در زمینه اشتغال روستایی حفظ کرده است. در ادامه مقاله، به نقد عملکرد طرح توسعه اقتصادی و اشتغال روستایی پرداخته شده و نشان داده می‌شود که در دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۹ اشتغال‌زایی روستایی تنها محدود به برنامه‌های مطالعاتی و شناسایی روستاهای هدف بوده است.

واژگان کلیدی: اشتغال روستایی، توسعه اقتصادی، برنامه توسعه، شاخص تغییر ساختاری

۱. دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران * aghelik@modares.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

روستا به‌عنوان مرکز تولید محصولات اصلی زراعی و دامی، نقش مهمی در ساختار اقتصاد منطقه‌ای و ملی ایفا می‌کند. تولید در روستا بر اساس نظریه اقتصاد کلاسیک متکی به نهاده‌ها و منابع طبیعی از جمله زمین، بذر و دانه، دام و نیروی انسانی است. اما با گذار از نظام بهره‌برداری دهقانی و سنتی به نظام مکانیزه، نهاده‌های جانشین یا مکمل از جمله سرمایه، ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی و فناوری در فرایند تولید به‌کار گرفته می‌شوند.

توسعه علاوه بر افزایش مستمر تولید واقعی، مستلزم تحولات بنیادین در فرهنگ و باورهای عمومی، شیوه تولید، روابط کارگر و کارفرما، شکل‌گیری مناسبات جدید اجتماعی، اقتصادی و نوسازی و مکانیزاسیون عمومی است. در این تحولات، عامل زمان خود را در فناوری‌های جدید، روش‌ها و فنون تولید و محصولات نو بروز داده و از طریق بهبود و گسترش فناوری است که تولید انبوه و همزمان مصرف انبوه از طریق افزایش درآمد سرانه فراهم می‌گردد (تودارو، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

در ایران تا قبل از اجرای برنامه عمرانی هفت ساله دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴)، روستا و روستانشینی وجه غالب اقتصاد ایران بوده است، به طوری که نسبت جمعیت روستانشین در سال ۱۳۳۵ بالغ بر ۶۸ درصد ثبت شده است. در این برنامه برای فصل کشاورزی و آبیاری - که عمدتاً بر فعالیت‌های روستایی متمرکز بوده - حدود ۱۲ میلیارد ریال (معادل ۲۳ درصد کل اعتبارات برنامه) پیش‌بینی شده بود. از این مبلغ ۱۲۴ میلیون ریال برای اقتصاد روستایی و مهندسی زراعی و ۵۶۵ میلیون ریال برای عمران دهات و اراضی بایر مصوب شده بود (قانون توسعه هفت ساله دوم کشور، ۱۳۴۳: ۳-۴). اما از برنامه دوم پیش از انقلاب به بعد و همزمان با اجرای اصلاحات ارضی، راهبرد جایگزینی واردات و توسعه صنایع سنگین، مهاجرت به شهرها آغاز و این روند در دوره پساانقلاب و جنگ تحمیلی به دلایل سیاسی و امنیتی تشدید شد.

ایران دارای جمعیت جوانی است. میانگین و میانه سنی جمعیت بر اساس آخرین داده‌های سرشماری نفوس و مسکن^۱ کشور، به ترتیب ۳۱ و ۳۰ سال بوده است. تعداد جوانان بین ۲۰ تا ۳۰ سال مطابق با سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۶ میلیون نفر بوده که حدود ۲۱ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. جمعیت در سنین ۶ تا ۱۹ ساله (شامل دانش‌آموزان) هم کمی بیش از ۱۶ میلیون نفر بوده است. آمار مشابهی در مناطق روستایی وجود داشته به طوری که تعداد جوانان روستایی در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال حدود ۴ میلیون نفر و جمعیت در سنین ۶ تا ۱۹ سال هم ۴/۶ میلیون نفر و کل جمعیت روستایی قریب به ۲۱ میلیون نفر بوده است. هر چند

۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن: ۱۳۹۵. قابل دسترس در:

طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ نسبت جمعیت روستانشینان از ۶۸/۳ درصد به تقریباً ۲۶ درصد کاهش یافته است اما مناطق روستایی همچنان نقش مهمی در تولید محصولات راهبردی زراعی از جمله گندم، جو، برنج و پنبه ایفا می کنند.

با وجود روند شتابان شهرنشینی و باوجود خشکسالی‌های دهه ۱۳۸۰، هنوز روستائینی که به زمین و مزرعه وابسته و وفادار مانده‌اند، به کار و تلاش در زمین‌ها و باغات و واحدهای دامی مشغول هستند. با اینکه دسترسی به آب در برخی روستاها کمتر شده و از مجموع ۶۰۹ دشت کشور حدود ۶۶ دشت در شرایط ممنوعه با وضعیت بحرانی قرار دارند (محمدجانی و یزدانیان، ۱۳۹۳: ۱۲۸)، با این حال قدرت خرید روستائیان کاهش نیافته است، به طوری که درآمد سرانه حقیقی در مناطق روستایی از ۲۵/۵ میلیون ریال در سال ۱۳۶۸ به ۴۴/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۹۸ رسیده است. نوع فعالیت و اشتغال در روستاهای ساحلی متفاوت از روستاهای کوهستانی، کوهپایه‌ای، روستاهای جلگه‌ای است. در حالی که زراعت، باغبانی و دامداری سهم اصلی را در تولید و اشتغال در روستاهای جلگه‌ای و کوهپایه‌ای به عهده دارند، صید آبیان و صنعت شیلات، گردشگری محلی، ملوانی و مانند آنها، بیشترین نقش را در اشتغال و توسعه روستاهای ساحلی دارند. اشتغال، ستون اقتصاد محسوب می شود و ارتباط بنیادین با توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. اشتغال روستایی نیز به طور متناسب با توسعه روستایی در انواع روستاها (ساحلی، کوهستانی، کوهپایه‌ای) پیوند دارد. روندهای عمومی توسعه در دنیا از کاهش نسبت روستانشینی و اشتغال روستایی حکایت دارد. در این تحقیق، پرسش اصلی این است که با اجرای برنامه‌های کلان توسعه در ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۸ چه تغییراتی در نسبت اشتغال روستایی ایجاد شده است؟ در این راستا، تحلیل اشتغال در مناطق روستایی کشور و به ویژه عملکرد برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال روستایی - توصیه شده در برنامه ششم توسعه - ضرورت می یابد.

مبانی نظری

مناطق روستایی پایگاه تولیدات اصلی کشاورزی و دامی هستند. در این مناطق، کشاورزی در مقیاس کوچک و متوسط مهمترین منبع درآمد است. اغلب روستائیان از طریق فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته امرار معاش می کنند. به همین دلیل، اشتغال روستایی با اشتغال بخش کشاورزی ارتباط قوی دارد.

رشد جمعیت، تشدید شهرنشینی و نیازهای غذایی روز افزون، مستلزم افزایش محصولات کشاورزی و رشد اقتصادی در روستاهاست. علاوه بر رشد، تحولات کیفی و تغییر روشها، ترتیبات و فرایندها در قالب آموزش و ترویج کشاورزی، افزایش بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های نوین و شیوه-

های نوین بازاریابی برای دستیابی به توسعه روستایی ضروری هستند. با درآمدزایی و اشتغال روستایی، مهاجرت به شهر، کاهش و ماندگاری در روستا، افزایش می یابد.

تعدیل نیروی کار کشاورزی از پیشرفت فنی کاراندوز، محیط اقتصاد کلان (شامل رشد اقتصادی و فرصت های شغلی غیرزراعی)، نظام بهره برداری و تجدید ساختار آن، ویژگی های اقتصادی - اجتماعی کشاورزان و سیاست های حمایت از کشاورزی تاثیر می پذیرد. وجود زمین ها، مزارع و باغات خانوادگی در مناطق روستایی به این معنی است که گذار بین نسلی مهمترین فرآیند در تنظیم ساختاری نیروی کار کشاورزی است (Copus et al, 2006: 83).

کشاورزی پاره وقت و اشتغال غیرزراعی به کاهش تدریجی اشتغال در بخش کشاورزی منجر می شود. اشتغال در بخش کشاورزی برآیند مشارکت هر دو گروه مردان و زنان است. زنان علاوه بر مراقبت از کودک، خانه داری، مراقبت از سالمندان، باغبانی و دامداری به کار در مزارع هم اشتغال دارند. همچنین، زنان روستایی نقش مهمی در مدیریت مزارع کوچک و فروش مستقیم محصولات دارند (Copus et al, 2006: 84).

بر اساس مدل های جستجوی شغل (برانسون، ۱۳۹۸: ۲۳۴)، نیروی کار همواره در پی یافتن فرصت شغلی بهتر نسبت به شغل قبلی خود است. در اقتصاد روستا نیز، نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی همواره به دنبال یافتن فرصت های شغلی در سایر بخش های اقتصاد به ویژه در بخش خدمات می باشد. از این رو، در صورتی که اقتصاد مناطق روستایی رشد یابد و هزینه فرصت نیروی کار را افزایش دهد، ممکن است به کاهش شدید اشتغال در بخش کشاورزی منتهی شود.

از طرف دیگر، جابجایی شغلی و توسعه بازار کار پایدار در روستاها به ترجیحات نیروی کار روستایی، آموزش فنی - حرفه ای، توسعه اقتصادی روستا، امنیت اجتماعی، تامین مسکن روستایی و سیاست های اعتباری وابسته است. اشتغال در بخش کشاورزی در کنار آموزش شیوه های نوین کشاورزی تا حد زیادی به توانمندسازی جوانان در مناطق روستایی کمک می کند. این آموزش ها در صورتی که بر زنان روستایی تمرکز داشته باشند، در افزایش مشارکت زنان در تولید کشاورزی و در کاهش مهاجرت آنها به شهرها اثرگذار خواهند بود. در واقع، تنوع مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی و وجود فرصت های آموزشی به جوانان روستایی کمک می کند تا در مورد ماندن در روستا یا ترک آن تصمیم اساسی بگیرند.

مهاجرت از روستا به شهر و بایرگذاشتن زمین های کشاورزی یک پدیده اقتصادی - اجتماعی مشترک به ویژه در میان کشورهای در حال توسعه است. از آنجایی که امنیت غذایی با تولیدات زراعی و دامی ارتباط تنگاتنگ دارد، هر گونه سیاست گذاری برای کاهش مهاجرت روستائیان در حقیقت گامی برای افزایش امنیت غذایی در سطح اقتصاد ملی است. تخصیص نیروی کار روستایی

بین فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی (صنعتی یا خدماتی) مطابق با «نظریه توزیع بر مبنای بهره‌وری نهایی» (Clark, 2005: 96) به میزان بهره‌وری (و در نتیجه به سطح دستمزدها) وابسته است.

ماهیت اشتغال روستایی

اشتغال در نواحی روستایی متفاوت از اشتغال در شهرهاست. فعالیت‌های کشاورزی در فرم دهقانی و سنتی خود فصلی بوده، به طور عمده متکی بر آب و زمین هستند و در نتیجه، تحولات آب و هوایی و تغییرات فصلی بر روند این فعالیت‌ها تأثیر گذاشته و آنها را در فصول پرباران و معتدل، افزایش و در فصول سرد و خشک، کاهش می‌دهند. نوسانات آب و هوایی موثر بر فعالیت کشاورزی در انواع مختلف آن (زراعت و باغبانی، دامداری، جنگل‌داری و صید آبزیان) اشتغال متناظر را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. بر این اساس، بیکاری غیرارادی (غیرداوطلبانه) ناشی از تغییرات فصلی در امور کشاورزی جزء ویژگی‌های اصلی اشتغال نیروی انسانی است. نوع کشت محصولات دائمی (کشت آبی و دیم)، کشت تکی یا چند محصولی، نظام آبیاری سنتی یا مکانیزه، برداشت سنتی یا مکانیزه و بازاررسانی محصولات همگی از متغیرهای اصلی و تعیین‌کننده اشتغال در بخش زراعی مناطق روستایی است. دسترسی به علوفه و وجود مراتع مناسب، به اشتغال روستایی در بخش دامداری کمک می‌کند و مجوزهای صید آبزیان، ساخت و بهره‌برداری از ادوات و تجهیزات صیادی و گردشگری ساحلی، مولد اشتغال در روستاهای ساحلی محسوب می‌شوند.

هر چند فعالیت‌های کشاورزی در اغلب مناطق روستایی به صورت خانوادگی و خویشاوندی انجام می‌شود، اما در فعالیت‌های بزرگ‌مقیاس، استفاده از خدمات نیروی کار از مسیر بازار کار ممکن می‌شود. به همین سبب نیروی کار ساده در قالب پرداخت‌های روزمزد، نوبت‌کاری و موقت به کار گرفته می‌شود. اما به هر حال، قانون حداقل دستمزد و همین‌طور سطح دستمزد در سایر فعالیت‌ها (در بخش‌های خدمات و صنعت) بر دستمزد بخش کشاورزی اثر گذاشته و در صورت افزایش این دستمزدها، هزینه تمام شده محصول را افزایش می‌دهد.

سازمان بین‌المللی کار^۱ در قالب برنامه اشتغال روستایی و کار شایسته، بر توانایی مناطق روستایی در تحریک رشد، ایجاد شغل، تاب‌آوری در برابر بحران و توسعه عادلانه تأکید کرده است. این برنامه متضمن تحقیق و توسعه، مداخلات روستایی، ظرفیت‌سازی و حمایت از مشاغل روستایی است. حوزه‌های تحت پوشش در این برنامه شامل زنجیره‌های ارزش، مهارت‌ها، گردشگری، امنیت غذایی، حمایت اجتماعی، ایمنی و سلامت شغلی، استانداردهای کار و اشتغال و آمار مربوطه،

1 . International Labor Organization (ILO)

گفتگوی اجتماعی و توانمندسازی نیروی کار است. این برنامه بر مسئولیت مشترک و هم‌افزایی برای توسعه روستایی تأکید دارد (de Luca, 2011:1-2).

روند عمومی تغییرات اشتغال روستایی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تقریباً مشابه است. در فرایند توسعه، سهم اشتغال در بخش خدمات و فعالیت‌های صنعتی، افزایش اما سهم اشتغال در بخش کشاورزی، کاهش می‌یابد. در مناطق روستایی، در صورتی که کاهش اشتغال در بخش کشاورزی با رشد اشتغال در دیگر بخشهای خدماتی جبران شود، سطح کل اشتغال پایدار مانده و در وضعیت اینرسی قرار می‌گیرد. با وجود این، تنوع رشد اشتغال در داخل و بین مناطق روستایی به قابلیت‌های توسعه روستایی و خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی روستاها وابسته است. موفقیت اقتصادی نسبی برخی از مناطق روستایی تحت تأثیر جهانی شدن، تجدید ساختار بازار کار، تقاضاهای «مصرفی» جدید در مناطق روستایی و جابجایی جمعیت بوده است. نظریه‌های سنتی، تنوع برودادها در مناطق روستایی را توضیح نمی‌دهند، اما نظریه «جغرافیای اقتصادی جدید» قادر است شرایط لازم برای توسعه روستایی را تبیین کند (Bryden & Bollman, 2000: 186).

به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی یا توان کارکردن در سایر بخش‌های اقتصاد، در صورتی که فرصت مهاجرت به شهر و جستجوی شغل برای جوانان روستایی فراهم نباشد، ممکن است این جوانان ناچار به ورود به بخش کشاورزی در مناطق روستایی پیرامون روستای موطن خود شوند. در این صورت، اشتغال منطقه ای نیروی کار روستایی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، برای تعدیل روند اشتغال روستایی، می‌توان از ترکیب مشاغل کشاورزی پاره وقت با اشتغال غیرزراعی بهره برد. کشاورزی پاره وقت، اولین گام برای خروج از فعالیت کشاورزی است و سهم بالای کشاورزی پاره وقت منجر به افزایش خروج از فعالیت زراعی می‌شود. با این حال، کشاورزی پاره وقت می‌تواند یک عامل تثبیت کننده اشتغال باشد. زنان به ویژه در زمینه کشاورزی پاره وقت مشارکت دارند. اشتغال غیرزراعی در میان زنان بهره بردار کشاورزی در اروپای غربی همراه با تغییر نقش زنان افزایش یافته است. سهم زنان در کشاورزی در میان ۲۴ کشور عضو اتحادیه اروپا ۳۹ درصد است و این سهم در کشورهای عضو پرتغال، اتریش و یونان بیشتر از سایر کشورها است (Copus et al, 2006: 84).

پیشینه تحقیق

مطالعات مختلفی در باره اشتغال روستایی در داخل و خارج انجام شده‌اند. قدیری معصوم و همکاران (۱۳۸۳: ۱۵۸) اجرای برنامه‌های توسعه یکپارچه روستایی را راه مقابله با بیکاری و توسعه نیافتگی فعالیت‌های شغلی در کشور و به‌ویژه در شهرستان لاهیجان می‌دانند.

قدیری معصوم و عزمی (۱۳۸۹) در بررسی عوامل مؤثر بر تحولات اشتغال روستایی با رویکرد اسنادی، وضعیت اشتغال را به تفکیک بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در بین استان‌ها مورد مطالعه قرار داده و نشان دادند که الگوی غالب اقتصادی روستاها از کشاورزی و صنعت به سمت خدمات تغییر یافته و مهاجرت‌پذیری نقش مهمی در این تغییر فرایند بازی می‌کند.

در مطالعه الگوی تغییرات و روند فضائی اشتغال و فعالیت در نواحی روستایی استان اصفهان، رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) بر اساس آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و با روش میانگین متحرک فضائی، نرخ بالای اشتغال و نابرابری فضایی در مناطق روستایی و تمرکز فعالیت‌های خدماتی و صنعتی در نواحی روستایی مجاور مرکز شهر اصفهان را نتیجه گرفتند.

افشاری و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه رابطه بین توسعه پایدار و اشتغال در گردشگری روستایی، اشتغالات کوچک و متوسط در روستای پالنگان استان کردستان را با روش کتابخانه‌ای و بررسی میدانی تحلیل کرده و نتیجه گرفتند که توسعه گردشگری روستایی باعث توسعه کسب و کارهای روستایی و افزایش اشتغال، تولید و درآمد خواهد شد.

طالشی و حکیم دوست (۱۳۹۸) در سطح‌بندی روستاهای رامسر با کمک تحلیل عاملی، شاخص موران مرتبط با توزیع فضایی توسعه را $0.237/+$ برآورد کرده و خوشه‌ای بودن توزیع فضایی توسعه مناطق روستایی را تأیید نموده و نشان دادند که توسعه روستایی در ۶۳ سکونتگاه روستایی در شهرستان رامسر به طور مستقیم وابسته به اشتغال زنان روستایی است.

ناصری و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه تأثیر مخارج دولت بر تولید محصولات کشاورزی، اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق روستایی ایران با کمک سیستم معادلات همزمان طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۶۰ نشان دادند که تأثیر این مخارج بر زیرساخت‌های روستایی معنی‌دار بوده و زیرساخت‌ها، نقش مهمی در توسعه مشاغل غیرکشاورزی و کاهش فقر در مناطق روستایی بازی می‌کنند.

فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۵) با تحلیل فضایی الگوی اشتغال زنان روستایی بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و با استفاده از تکنیک ضریب مکانی^۱ (LQ) نشان دادند که در بخش کشاورزی، غرب و جنوب شرق کشور نواحی پایه‌ای بوده و در بخش صنعت، استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اصفهان، قم، مرکزی و بخش‌هایی از استان‌های همدان، زنجان و قزوین و تهران، صادرکننده نیروی کار زنان روستایی به نواحی دیگر می‌باشند. همچنین در بخش خدمات، مناطق مرکزی، شمال و جنوب کشور به عنوان صادرکننده نیروی کار زنان روستایی در بخش خدمات شناخته می‌شوند. در همین زمینه، داورخانی و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل الگوی توزیع فضایی اشتغال زنان روستایی ایران در بخش خدمات بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس

1 . Location Quotient

و مسکن سال ۱۳۹۰ و با کمک شاخص موران نشان دادند که توزیع فضایی اشتغال زنان روستایی در بخش خدمات کشور به صورت خوشه‌ای توزیع شده و مناطق شمال، شمال غربی کشور (بخش‌هایی از استان‌های تهران، قم، سمنان، مرکزی، همدان و مازندران) از نواحی پایه و استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و کردستان از نواحی غیرپایه در زمینه اشتغال زنان روستایی در بخش خدمات می‌باشند. همچنین ارتباط فضایی نرخ باسوادی و نرخ روستانشینی با ضریب اقتصاد پایه در مناطق روستایی ایران از یک الگوی خاص پیروی نمی‌کند.

ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۹۸) برای تدوین برنامه توسعه و اشتغال پایدار روستایی با تأکید بر روستای بغداد شهرستان نیکشهر از مدل ارزیابی مشارکتی و تحلیل ساختار اجتماعی و سازمانی استفاده کرده و با کمک نمودار ون (Ven) و مصاحبه با ۲۳ نفر از مردان و زنان صاحب نظر روستا، نشان دادند که روستای بغداد دارای سرمایه طبیعی و اجتماعی مناسبی است و سرمایه انسانی آن در حال افزایش است. درعین حال این روستا سرمایه فضایی-مکانی مناسبی ندارد. سرمایه زیرساختی روستا و همچنین سرمایه نهادی (هماهنگی بین سازمان‌ها و اثربخشی برنامه‌ها جهت ایجاد اشتغال و معیشت) ضعیف است.

حافظی و همکاران (۱۳۹۹) در تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش جوانان روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی بیران شهر استان لرستان، یک نمونه ۱۸۱ نفری از جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله انتخاب کرده و نتیجه گرفتند که گرایش جوانان روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی در حد متوسط است و میزان دانش، آگاهی و نگرش نسبت به کشاورزی، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فردی و وجود نمونه‌های موفق در روستا- به ترتیب- بیشترین نقش را در گرایش آنها به اشتغال در بخش کشاورزی به عهده دارند.

از دیدگاه بهالا و هازل، میزان رشد اشتغال و رشد درآمد در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در مناطق روستایی هند با میزان رشد عرضه نیروی کار سازگار نیست و به همین دلیل، هند در ایجاد اشتغال کافی برای همگام شدن با رشد نیروی کار و همچنین افزایش حقوق و بهره‌وری کارگران با مشکل روبرو است (Bhalla & Hazell, 2003: 3473).

پژوهشکده روستایی دانشگاه مینه‌سوتا در مطالعه روی اشتغال روستایی در آمریکا نشان داد که نرخ اشتغال پس از گذار از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ افزایش یافته است، اما منافع آن نصیب همه جوامع و گروه‌ها نشده است. در حالی که نرخ اشتغال کلی بهبود یافته است، اما اشتغال معلولین در مناطق روستایی کاهش یافته است (RI, 2019: 2).

فوستر پتانسیل رشد بهره‌وری بخشی، سرمایه انسانی، بازارهای اعتباری و زیرساخت‌ها را برای کمک به توسعه اشتغال پایدار و درآمدزا در مناطق روستایی کشورهای کم درآمد بررسی کرد و با

یک مدل نظری و تحلیل توصیفی داده‌های آماری هند نشان داد که برای افزایش اشتغال روستایی، باید تولید کالاهایی که محصولات محلی کشاورزی را به عنوان نهاده مورد استفاده قرار می‌دهند، افزایش یابد (Foster, 2012:1).

پاول و مولدوان بر اساس داده‌های آماری ۳۹۸ ناحیه روستایی از محور توسعه شمال-غرب رومانی بین سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۱۴، شاخص توسعه اقتصادی روستایی را تحلیل کرده و نشان دادند که استقرار در حوزه نفوذ مناطق شهری و اتصال مستقیم به شبکه جاده‌ای اروپایی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های محلی بر سطح توسعه اقتصادی روستاها تأثیر می‌گذارد (Pavel & Moldovan, 2019:1).

شو و همکاران بر اساس داده‌های نظرسنجی ۸۰۳۱ خانوار روستایی از ۲۷ استان چین، اثرات مهاجرت نیروی کار بر ترک زمین‌های کشاورزی توسط خانوارهای روستایی را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که با ثبات شایر شرایط، به ازای هر ۱۰ درصد افزایش اشتغال خارج از مزرعه و اشتغال پاره‌وقت، میانگین احتمال ترک زمین کشاورزی توسط خانوارهای روستایی به ترتیب ۴ درصد و ۵ درصد افزایش می‌یابد (Xu et al, 2019: 738).

در مطالعه اشتغال روستایی در ایالت بیهار هند، صبرین و بهرا نشان دادند که به دلیل تغییر ساختار اقتصادی بیهار، الگوی اشتغال در حال تغییر از بخش کشاورزی به بخش غیرکشاورزی است، به طوری که سهم نیروی کار شاغل در کشاورزی از بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۴ به حدود ۴۰ درصد در دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۷ کاهش یافته است، در حالی که سهم اشتغال در صنایع و خدمات به طور قابل توجهی افزایش یافته است (Sabreen & Behera, 2020:1).

بخش قابل توجهی از تحقیقات صورت گرفته، بر مقاطع و مطالعات موردی و محلی تمرکز داشته و تحلیل سری زمانی در میان آنها کم‌رنگ است. علاوه بر این تأثیر برنامه‌های کلان توسعه در مطالعات داخلی؛ و تغییرات ساختاری اشتغال در سطح کلان و ملی در مطالعات خارجی دنبال نشده است. این تحقیق سعی کرده اشتغال را در طول اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی تحلیل نماید و تغییرات ساختاری اشتغال و ارتباط آن با رشد اقتصادی و توزیع درآمد را در روستاها تبیین کند.

روش تحقیق

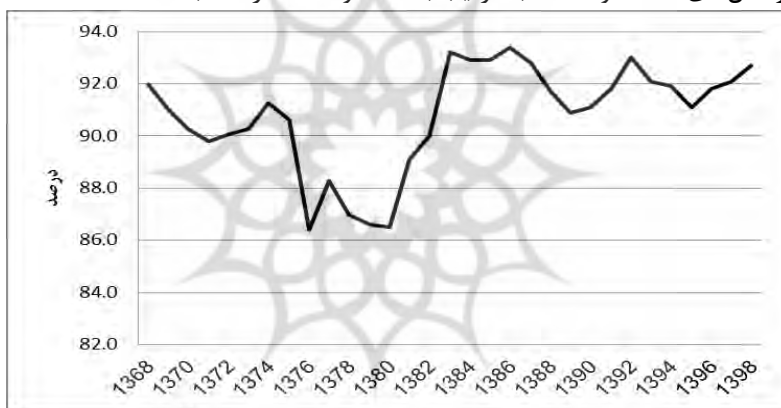
تحقیق حاضر، از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از حیث روش، توصیفی و تحلیلی است. قلمرو زمانی تحقیق، دوره ۱۳۹۸-۱۳۶۸ و موضوع مطالعه، اشتغال در مناطق روستایی است. انتخاب دوره آماری منطبق با دوره اجرای برنامه‌های کلان توسعه پنج ساله کشور بعد از انقلاب اسلامی است.

داده‌های آماری از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی اخذ شده و روند تغییرات متغیرهای اصلی تحقیق (اشتغال، درآمدسرانه، شاخص توزیع درآمد، ترکیب اشتغال) ابتدا در قالب جدول و نمودار توصیف شده و سپس با کمک نرخ‌های رشد، ضرایب همبستگی، میانگین‌ها و شاخص تغییرات ساختاری تحلیل شده است.

با توجه به اینکه آمار مستقل، رسمی و متمرکز برای جمعیت و نیروی کار در روستاهای ساحلی ارائه نمی‌شود، به ناچار، تحلیل اشتغال، مربوط به کل مناطق روستایی است و به طور کلی نوع روستا (محل استقرار، ارتفاع از سطح دریا، تراکم جمعیت، دسترسی به جاده‌های اصلی، پوشش گیاهی و مانند آنها) در این تحلیل نادیده گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق

در این مقاله، روند اشتغال در مناطق روستایی طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۸ با تأکید بر مقاطع برنامه‌های پنج ساله مورد تحلیل قرار می‌گیرد. میانگین نرخ اشتغال در این دوره ۹۰/۸ درصد بوده و دلالت بر این دارد که نرخ بیکاری بلندمدت در مناطق روستایی تک رقمی با میانگین ۹/۲ درصد است. روند تغییرات نرخ اشتغال در مناطق روستایی در شکل (۱) ترسیم شده است. کمترین نرخ‌های اشتغال در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹ به ترتیب با ۸۶/۴ و ۸۶/۶ درصد و بیشترین نرخ‌های اشتغال در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب با ۹۳/۲ و ۹۳/۴ درصد ثبت شده است.



شکل ۱- نرخ اشتغال در مناطق روستایی (مأخذ داده‌ها: مرکز آمار ایران)

چنانچه نرخ اشتغال در بازه‌های پنج ساله برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد، بهترین عملکرد اشتغال روستایی در برنامه چهارم با میانگین ۹۲/۷ درصد و ضعیف‌ترین عملکرد به برنامه دوم با میانگین ۸۸/۷ درصد اختصاص می‌یابد. هدف‌گذاری و اولویت-

بندی طرح‌های توسعه روستایی، عامل مؤثر بر اشتغال بالا در برنامه چهارم و تداوم برنامه‌های بازسازی و اصلاحات اقتصادی و تمرکز بر پروژه‌های صنعتی، عامل اصلی اشتغال نسبتاً پایین در برنامه دوم توسعه است.

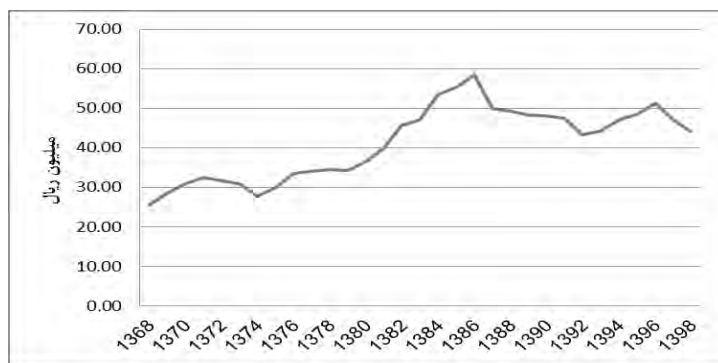
جدول (۱) میانگین نرخ اشتغال و درآمد سرانه حقیقی را به تفکیک برنامه‌های پنج ساله نشان می‌دهد. سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ به‌عنوان سال‌های تنفس بوده و خارج از برنامه‌های پنج ساله پسا انقلاب هستند. همچنین ارقام نهایی اشتغال و درآمد سرانه برای دو سال پایانی برنامه ششم در دسترس نیست. عملکرد برنامه چهارم در خصوص درآمد سرانه با عملکرد اشتغال تطابق دارد و بیشترین درآمد سرانه حقیقی با میانگین ۵۳/۲ میلیون ریال در این برنامه ثبت شده است.

جدول ۱- میانگین نرخ اشتغال و درآمد سرانه روستاییان در بازه های پنج ساله

برنامه	دوره	میانگین نرخ اشتغال (درصد)	میانگین درآمد سرانه حقیقی (میلیون ریال)
برنامه اول	۱۳۶۸-۱۳۷۲	۹۰/۶	۲۹/۸
برنامه دوم	۱۳۷۴-۱۳۷۸	۸۸/۷	۳۱/۹
برنامه سوم	۱۳۷۹-۱۳۸۳	۸۹/۱	۴۰/۷
برنامه چهارم	۱۳۸۴-۱۳۸۸	۹۲/۷	۵۳/۲
برنامه پنجم	۱۳۹۰-۱۳۹۴	۹۲	۴۶/۰
برنامه ششم	۱۳۹۶-۱۴۰۰	۹۲/۲	۴۷/۵

منبع: محاسبات تحقیق (مأخذ داده ها: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی)

اشتغال روستایی عامل مؤثر و قوی بر رشد اقتصادی در روستاهاست. رشد اقتصادی در مناطق روستایی به صورت رسمی در حساب‌های ملی گزارش نمی‌شود. از این رو، رشد درآمد سرانه حقیقی (درآمد اسمی سرانه تعدیل شده با شاخص قیمت مصرف کننده) به عنوان یک متغیر جانشین برای رشد اقتصادی روستایی تعریف می‌شود. در دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۸ متوسط نرخ رشد اقتصادی متناظر بر حسب تغییرات درآمد سرانه حقیقی معادل ۱/۷ درصد محاسبه می‌شود. در شکل (۲) روند تغییرات درآمد سرانه حقیقی در مناطق روستایی ارائه شده است. در دوره مورد مطالعه، درآمد سرانه حقیقی با نوساناتی مواجه شده و بیشترین درآمد سرانه حقیقی در سال ۱۳۸۶ معادل ۵۸/۴ میلیون ریال بوده است، اما روند عمومی تغییرات آن فزاینده بوده به طوری که درآمد سرانه هر فرد روستایی از ۲۵/۵ میلیون ریال در سال ۱۳۶۸ به ۴۴/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است.



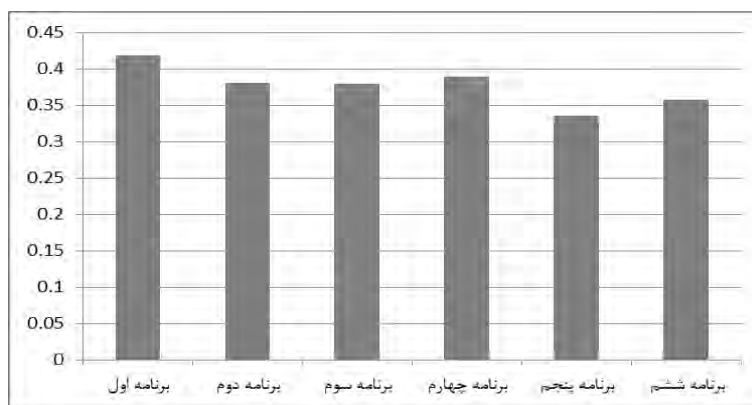
شکل ۲- درآمد سرانه حقیقی در مناطق روستایی (مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی)

ارتباط مثبت بین دو متغیر اشتغال و درآمد سرانه را می‌توان از روی ضریب همبستگی ساده تأیید کرد. در دوره تحقیق، ضریب همبستگی بین دو متغیر نرخ اشتغال و درآمد سرانه حقیقی، $+0/56$ بوده است. آماره t فیشرا^۱، به منظور آزمون معنی‌داری آماری این ضریب معادل $3/59$ با ضریب احتمال $0/0012$ محاسبه شده و نشان می‌دهد که همبستگی مثبت بین دو متغیر در سطح 1% از نظر آماری معنی‌دار است.

برآیند افزایش اشتغال و درآمد سرانه را می‌توان در توزیع درآمدها مشاهده کرد. هر چند رشد اقتصادی عموماً با افزایش درآمد سرانه همراه است اما در فرایند توسعه اقتصادی، یکی از اصلاحات اصلی مربوط به عدالت در توزیع درآمدها و ثروت هاست. در توسعه پایدار روستایی انتظار می‌رود که از میزان نابرابری در توزیع درآمدها کاسته شود. در شکل (۳) میانگین ضریب جینی به‌عنوان رایج‌ترین معیار سنجش نابرابری درآمدی در هر یک از برنامه‌های پنج‌ساله ترسیم شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. این آماره به صورت $t = \frac{r\sqrt{n-2}}{\sqrt{1-r^2}}$ است که در آن r ضریب همبستگی ساده و n تعداد مشاهدات دو سری (متغیر) است.



شکل ۳- میانگین ضریب جینی در مناطق روستایی (مأخذ داده ها: مرکز آمار ایران)

شکل (۳) نشان می‌دهد که از زمان اجرای برنامه اول تا ششم توسعه کلان اقتصادی، میانگین ضریب جینی در کل نزولی بوده است و از ۰/۳۸۰۳ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۳۵۳۹ در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. این کاهش به مفهوم حرکت کلی به سوی برابری در توزیع درآمدها است. همچنین کمترین متوسط ضریب جینی به برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تعلق دارد. علاوه بر درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی در روستاها، پرداخت یارانه نقدی ۴۵۵۰۰ تومان به هر نفر ممکن است در این کاهش مؤثر بوده باشد.

ترکیب اشتغال بخشی در روستاها

در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ سهم اشتغال بخش‌های اقتصادی از کل اشتغال در مناطق روستایی به صورت جدول (۲) بوده است. بر اساس ارقام این جدول، کشاورزی در مناطق روستایی به طور متوسط بالغ بر ۵۱ درصد کل اشتغال را در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر به خود اختصاص داده است. در همین دوره، سهم اشتغال صنعتی به‌طور میانگین ۲۷ درصد و سهم اشتغال در بخش خدمات به طور متوسط ۲۲ درصد بوده است. این سهم‌ها نشانگر سلطه غالب کشاورزی بر اشتغال روستایی و سازگار با فعالیت‌های مولد در روستاهاست.

در مبحث توسعه اقتصادی-اجتماعی، برای سنجش تغییرات عمده در ساختار اقتصادی مناطق از منظر اشتغال (تغییر در ترکیب اشتغال بخشی) از «شاخص تغییر ساختاری»^۱ استفاده می‌شود. در مسیر توسعه، از سهم بخش کشاورزی در اشتغال، تولید و ارزش افزوده کاسته شده و بر سهم بخش صنعت و خدمات افزوده می‌شود. این شاخص با رابطه (۱) تعریف می‌شود:

1 . Structural Change Index

$$SCI = \frac{|E_{i,t} - E_{i,t-1}|}{2} \quad (1)$$

که در آن $i=1, 2, 3$ نماد بخش (کشاورزی، صنعت و خدمات)، E_i = سهم بخش i در ارزش افزوده، اشتغال، تولید و مانند آنها (به درصد)، t و $t-1$ دو دوره زمانی متوالی و SCI شاخص تغییر ساختاری است. هر قدر این شاخص بزرگتر باشد، تغییرات ساختاری بیشتر خواهد بود (Productivity commission, 1998: 69). مطابق با نتایج محاسبات، شاخص تغییرات ساختاری در مورد بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب $۰/۷$ ، $۶/۵$ و $۳/۳$ درصد محاسبه شده است. این ارقام نشان می‌دهند که تغییر ساختاری در مناطق روستایی طی دوره زمانی $۱۳۸۴-۱۳۹۹$ چندان زیاد نبوده است و بیشترین تحول ساختاری در بخش کشاورزی و کمترین تحول ساختاری در بخش خدمات تجربه شده است.

جدول ۲- سهم اشتغال در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در مناطق روستایی (به درصد)

سال	بخش کشاورزی	بخش صنعت	بخش خدمات
۱۳۸۴	۵۶/۷	۲۴/۵	۱۸/۸
۱۳۸۵	۵۴/۲	۲۶/۶	۱۹/۲
۱۳۸۶	۵۴/۴	۲۶	۱۹/۶
۱۳۸۷	۵۲/۲	۲۷/۱	۲۰/۷
۱۳۸۸	۵۳/۶	۲۵/۸	۲۰/۶
۱۳۸۹	۵۱/۴	۲۶/۹	۲۱/۷
۱۳۹۰	۵۰	۲۸/۲	۲۱/۸
۱۳۹۱	۵۰/۶	۲۷/۳	۲۲/۱
۱۳۹۲	۴۹/۸	۲۸/۲	۲۲
۱۳۹۳	۴۹/۱	۲۷/۶	۲۳/۳
۱۳۹۴	۴۹/۸	۲۶/۷	۲۳/۵
۱۳۹۵	۵۰	۲۵/۵	۲۴/۵
۱۳۹۶	۴۹/۸	۲۵/۶	۲۴/۶
۱۳۹۷	۴۸/۹	۲۶/۷	۲۴/۴
۱۳۹۸	۴۹/۱	۲۶/۶	۲۴/۳
بهار ۱۳۹۹	۵۲	۲۶	۲۲
میانگین	۵۱/۳	۲۶/۶	۲۲/۱

مأخذ: مرکز آمار ایران

عملکرد استانی طرح توسعه اقتصادی و اشتغال روستایی

مطابق با جزء ۱ بند الف ماده ۲۷ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف شده است در راستای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تقویت اقتصاد روستایی و توسعه اقتصاد صادرات محور، هر سال در ۵۰۰۰ روستا با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی - اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و با استفاده از تسهیلات بانکی، حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی را به وسیله سازمان تهیه کند و به تصویب شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مربوطه برساند. در این تکلیف قانونی، توسعه حداقل ۵۴ خوشه کسب و کار روستایی، بهره‌برداری و ساخت ۹۸ ناحیه صنعتی روستایی و ایجاد ۱۹۱۴۰۰۰ فرصت شغلی در روستاها و مناطق عشایری پیش‌بینی شده است.

از آنجایی که گزارش مکتوب و مستندی از عملکرد استان‌ها در رابطه با تکلیف قانونی مذکور منتشر نشده است، در این بخش سعی شده بر اساس گزارشات برخط سازمان‌های مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها و منابع اینترنتی، خلاصه عملکردها ارائه شود.

۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی در طول برنامه می‌بایست برای ۱۶۴۵ روستا، برنامه اشتغال‌زایی و توسعه روستایی اجرا کند. این سازمان در سال ۱۳۹۸ اقدام به تهیه و اجرای سند توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی برای ۳۹۰ روستای بالای ۲۰ خانوار از ۳۰ دهستان استان کرده^۱ اما آماری از عملکرد تراکمی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۶ نداده است.

این طرح در راستای تحقق سیاست‌های کلی برنامه و اقتصاد مقاومتی، شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در مناطق روستایی و ارتقا منزلت اجتماعی روستائیان و نقش روستاها در اقتصاد ملی و ایجاد بستر لازم برای شکوفایی و پیشرفت عدالت تدوین شده است. شناخت علمی و تحلیل راهبردی مزیت‌ها، توانمندی‌ها و تنگناهای محوری توسعه اقتصادی و اشتغال در روستاهای هدف، بسترسازی برای رفع این محدودیت‌ها و استفاده از توانمندی‌های توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در روستاهای هدف، یکپارچه‌سازی و هدفمند کردن و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی اشتغال‌زایی در روستاها از جمله مهمترین اهداف اجرای این طرح می‌باشد.

۲- در استان کهگیلویه و بویراحمد، بر اساس سهمیه تعیین شده از سوی سازمان برنامه و بودجه، در طول برنامه ۵ ساله با معیار تعداد خانوارهای بالای ۳۵ خانوار، تعداد ۲۲۵ روستا

۱. تهیه و اجرای سند توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی برای ۳۹۰ روستای بالای ۲۰ خانوار (۱۳۹۹/۲/۳۰). مندرج در:

(معادل ۸۸ درصد جمعیت روستایی منطقه سردسیری) را در قالب یک پروژه تحقیقاتی در سال ۱۳۹۷ در فهرست برنامه اقتصادی و اشتغال‌زایی مشخص کرده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۷: ۳۴).

۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان بر اساس سهمیه استانی طرح توسعه اقتصادی و اشتغال روستایی، تعداد ۱۹۹ روستا را برای سال ۱۳۹۶ اعلام کرده اما آماری از نحوه اجرا نداده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان، ۱۳۹۶: ۶).

۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مرکزی در سال ۱۳۹۶ تعداد ۶۴ روستا را برای تهیه طرح توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی شناسایی کرده و حدود ۲۳۰ روستا را در پایان سال ۱۳۹۷ به منظور اجرای طرح تحت قرارداد مشاوره‌ای قرار داده است. از آنجایی که روستاها با یکدیگر ارتباطات اقتصادی دارند و تولید یک روستا ممکن است زنجیروار با روستاهای هم جوار خود ارتباط داشته باشد، این سازمان روی زنجیره‌های تولید به صورت چندضلعی و مجموعه‌ای کار می‌کند^۱. در این طرح، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در راستای برنامه ریزی منطقه‌ای، تقویت اقتصادی روستایی و توسعه اقتصادی صادرات محور تعریف شده، است. کاهش شکاف توسعه اقتصادی و تعادل بخشی روستایی-شهری، افزایش مشارکت اقتصادی روستاهای هدف، توانمندسازی اقتصادی روستاییان و ظرفیت‌سازی مشارکت تحصیل‌کردگان محلی در طرح‌های توسعه اقتصادی، تنوع بخشی به اقتصاد و معیشت روستاییان، افزایش سطح درآمد و ارتقای سطح بهره‌وری روستاهای هدف، تثبیت جمعیت روستایی، ایجاد انگیزه برای بازگشت مهاجران روستایی و... بخشی از دستاوردهای مورد انتظار این طرح عنوان شده است.

۵- در استان یزد از ابتدای اجرای برنامه ششم، برای ۴۵ روستای هدف در سطح شهرستان‌های استان، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی تهیه شده است. شناسایی مسائل کلیدی روستاهای هدف، ارزیابی وضعیت موجود روستاها به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی و ارائه برنامه‌ها و پروژه‌های اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی روستا با هدف ارتقای ظرفیت‌های موجود، مهم‌ترین مؤلفه‌ها در برنامه تدوین شده است^۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. طرح «توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی» ۵۰۰ روستا در استان مرکزی تهیه می‌شود (۱۳۹۸/۲/۱۱). مندرج در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/02/11/2001718/>

۲. برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال ۴۵ روستای یزد تدوین شد (۱۳۹۸/۲/۲۰). مندرج در:

<https://www.irna.ir/news/83270496>

۶- سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی با نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و در قالب طرح پژوهشی با دانشگاه تبریز، تعداد ۵۱۲ روستای منتخب (سه‌میه دو سال اول برنامه) از ۵۱ دهستان در سطح کل روستاهای آذربایجان شرقی را مورد مطالعه قرار داده است. دو فاز اول شامل کلیات، چارچوب نظری و روش‌شناسی طرح تمام شده و مرحله دوم شامل شناخت و رجوع و تحلیل، تکمیل شده و فاز سوم (مطالعه میدانی و برگزاری جلسات مشارکتی) در دست اجرا است. در این مطالعه، ترکیبی از نظریه‌های برنامه‌ریزی و توسعه فضایی، مبنای برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی اعلام شده است.^۱

۷- در استان مازندران، طرح‌های توسعه اقتصادی و اشتغال روستایی برای ۱۵۶۵ روستا در نظر گرفته شده اما به دلیل شرایط خاص جغرافیایی روستاهای مازندران، تفکیک آنها میسر نبوده و تصمیم بر لحاظ تمام روستاهای مازندران در این طرح گرفته شده است.^۲

۸- در استان گلستان، در سال ۱۳۹۶ مطالعات «توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی» ۱۱۸ روستا با همکاری مشاوران و دهیاران روستا انجام شد و تأییدیه کمیته‌های شهرستانی و کارگروه‌های استانی را دریافت کرد. در این طرح رسته‌های شغلی متناسب با ظرفیت‌های محیطی انتخاب می‌شود و فرصت اشتغال‌زایی برای این طرح‌ها ایجاد می‌گردد. در اجرای این طرح، فعالیت‌های تأیید شده با تسهیلات بخش روستایی و عشایری مورد حمایت قرار می‌گیرند. همچنین، اداره کل فنی و حرفه‌ای استان گلستان مأموریت آموزش برخی از رسته‌های شغلی که تخصص لازم برای متقاضیان آنها در استان وجود ندارد را برعهده دارد.^۳

۹- در استان قزوین، مطابق با اعلام اداره کل امور روستایی استانداری قزوین، در دوره (۱۳۹۶-۱۳۹۷)، سند توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی برای ۲۰۰ روستا تدوین شده است. در سال ۱۳۹۹ نیز تهیه اسناد ۵۰ روستای دیگر استان در دستور کار قرار دارد.^۴ در تدوین این سند همه مزیت‌های اقتصادی روستا شامل کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات و گردشگری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تدوین برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستاهای منتخب آذربایجان شرقی (۱۳۹۹/۷/۲۹) مندرج در: <https://www.isna.ir/news/99072921193>

۲. اجرای طرح‌های توسعه اقتصادی و اشتغال در ۱۵۶۵ روستای مازندران (۱۳۹۸/۹/۳). مندرج در: <https://www.mehrnews.com>

۳. مطالعات و اجرای طرح توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی ۱۱۸ روستا در گلستان (۱۳۹۹/۵/۲۷). مندرج در: <https://www.golestanmporg.ir/akhbar/1818>

۴. سند توسعه اقتصادی ۲۰۰ روستای استان قزوین تدوین شد (۱۳۹۹/۲/۱۱). مندرج در: <https://www.irna.ir/news/837702711>

۱۰- گروه جغرافیای دانشگاه گیلان نیز مجری طرح توسعه روستایی و اشتغال‌زایی در چند شهرستان استان بوده است. مطابق با نعهدات استان، در طول پنج سال قرار بر تهیه برنامه اقتصادی و توسعه اشتغال‌زایی ۱۳۵۰ روستای استان است. سهم اشتغال روستاهای گیلان در مقایسه با شهرها پائین است و توان اقتصادی روستاهای استان تقلیل یافته است. بر اساس آمارنامه رسمی استان گیلان، در سال ۱۳۹۵ جمعیت استان بالغ بر ۲/۵ میلیون نفر بوده که تقریباً ۳۷ درصد آن را ساکنان روستایی تشکیل می‌دادند. در این سال ارزش افزوده بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری- که غالباً محدود به مناطق روستایی است- تقریباً ۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی استان (۳۴۴۳۲۳ میلیارد ریال) بوده است. نقطه قوت اشتغال روستایی در استان گیلان این است که سهم اشتغال در بخش کشاورزی همچنان بالاست و هر چند از ۵۸ درصد در سال ۱۳۸۵ به حدود ۵۴ درصد در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است، اما از میانگین سهم اشتغال کشاورزی در کل کشور در همین مدت بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

اشتغال روستایی یکی مؤلفه‌های اصلی توسعه روستایی است و رشد پایدار آن یکی از ارکان مهم توسعه پایدار و متوازن است. موضوع اشتغال، ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد و از این رو برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال به‌ویژه در مناطق روستایی با هدف تداوم تولیدات کشاورزی و کاهش آهنگ مهاجرت به شهرها بایستی در اولویت‌های کلان و منطقه‌ای برنامه‌های توسعه قرار گیرد.

پراکندگی فضایی مناطق روستایی از الگوهای کشت، نظام‌های بهره‌برداری، وضعیت اقلیمی و دسترسی به آب تبعیت می‌کند. جایی که دسترسی به آب بیشتر و زمین قابل کشت در اختیار کشاورزان باشد، تراکم جمعیت روستایی هم بیشتر است. در کانون‌های روستایی، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های کاربر (Labor-intensive) برای ماندگاری روستائیان اهمیت حیاتی دارد. در کنار رشد اقتصادی و افزایش درآمد حقیقی، تمرکز سیاست‌گذاری باید بر توسعه، فقرزدایی و رفع نابرابری باشد. توسعه گردشگری روستایی، حمایت از گردشگری ساحلی، تقویت تعاونی‌های صیادی در روستاهای ساحلی، آموزش جوانان و زنان روستایی، استفاده از وارسته‌های پربازده بذر، استفاده از روش‌های نوین آبیاری، تشکیل تعاونی‌های قوی تولیدی، بازاریابی به موقع محصولات باغی و زراعی و احداث انبارها و سیلوه‌های مکانیزه از جمله اقداماتی هستند که فرصت اشتغال و توسعه را در مناطق روستایی فراهم می‌سازند.

در این تحقیق، طی دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۸ مشخص شد که میانگین نرخ اشتغال روستایی بالغ بر ۹۰ درصد بوده و این به معنی پایداری نرخ بیکاری تک رقمی در روستاهاست؛ در حالی که نرخ بیکاری مناطق شهری عموماً دو رقمی بوده است. همچنین، نرخ اشتغال در بخش کشاورزی علیرغم تحولات اقلیمی، پیشرفت فناوری و تغییر قیمت محصولات و همینطور تحولات کلان اقتصادی، همچنان حول متوسط بلندمدت ۵۱ درصد باقیمانده و نوید اشتغال زایی مولد را در مناطق روستایی-مشروط به اجرای صحیح برنامه‌های اشتغال‌زایی-می‌دهد. از طرف دیگر، تغییر ساختاری بخشی قابل توجه نبوده و همچنان سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم اشتغال را در مناطق روستایی به عهده دارند.

اشتغال روستایی به شدت از دسترسی به آب و زمین و نهاده‌ها پیروی می‌کند و برنامه‌ریزی آرمانی بدون توجه به استعدادها، توانمندی‌های محیطی و انسانی روستاها و تکیه به واردات محصولات کشاورزی از نقاط ضعف نظری (تئوریک) در ایجاد اشتغال در مناطق روستایی به شمار می‌رود. علاوه بر این، تزریق منابع مالی با هدف اشتغال‌زایی همراه با نظارت دقیق بر هزینه کرد آنها، بهره‌برداری از فناوری‌های نوین کاربر و خنثی‌سازی اثرات منفی تحولات مدیریتی و سیاسی در برنامه‌های اشتغال‌زایی روستایی باید مورد ملاحظه جدی برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد.

بر اساس مصوبات برنامه ششم قرار بوده در طول اجرای برنامه، بالغ بر ۱/۹ میلیون فرصت شغلی در روستاها ایجاد شود. بر این اساس اشتغال تجمعی پیش‌بینی شده روستایی تا پایان ۱۳۹۹ (۴ سال از کل برنامه) حدود ۱/۵ میلیون فرصت شغلی است. آنچه از محتوای گزارشات و اخبار پیشرفت عملکرد برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال روستایی در استان‌های مختلف کشور برمی‌آید، این است که تاکنون میزان اشتغال‌زایی حاصل از اجرای برنامه مشخص نیست و تنها جنبه‌های مطالعاتی و شناسایی روستاهای هدف، تحقق یافته است. از این رو، لازم است یک سامانه نظارت و ارزیابی اجرای برنامه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور طراحی و نسبت به دریافت و پایش گزارش‌های ماهانه و فصلی اقدام نماید.

ماده ۱۷ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص توسعه روستایی، به‌نظر می‌رسد موارد خوبی را برای توسعه روستایی با هدف ارتقای منزلت اجتماعی و پیشرفت عدالت محور روستاها پیش‌بینی و مصوب کرده اما اکنون که تنها کمتر از یک سال و نیم به پایان برنامه ششم باقی‌مانده است، شتاب در تدوین و اجرای برنامه و شفاف‌سازی عملکردها در قالب ارقام واقعی اشتغال و تولید و همچنین هزینه‌کرد اعتبارات دولتی و بخش خصوصی توصیه می‌شود.

منابع

- افشاری آزاد، سمیه، آرشد عثمانی و سعید پیری (۱۳۹۳). توسعه پایدار و اشتغال در گردشگری روستایی نمونه موردی شیلات پالنگان، نشریه جغرافیایی فضای گردشگری، ۳(۱۰): ص ۱۴۶-۱۲۱.
- ابراهیمزاده آسمین، حسین، عیسی ابراهیمزاده و ابوذر پایدار (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی توسعه اشتغال پایدار روستایی با رویکرد PRA مبتنی بر مدل هفت سرمایه (موردشناسی: روستای بغدادان شهرستان نیکشهر)، پژوهش‌های روستایی، ۱۰(۳): ص ۵۲۵-۵۰۸.
- بانک مرکزی ایران. بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی. قابل دسترسی از: <https://tsd.cbi.ir/>
- برانسون، ویلیام (۱۳۹۸). تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان. ترجمه عباس شاکری، چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر نی.
- تودارو، مایکل (۱۳۹۱). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ نوزدهم، تهران: نشر کوهسار.
- حافظی، فرشته، مهدی رحیمیان و سعید غلامرضایی (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر گرایش جوانان روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی: مطالعه موردی بیران شهر، استان لرستان، روستا و توسعه، ۲۳(۱): ص ۷۸-۵۷.
- داورخانی، فضیله، علیرضا دربان آراسته، محمد نجارزاده، ذبیح اله ترابی و بهرام هاجری (۱۳۹۷). بررسی فضایی عوامل مؤثر بر ضریب مکانی اشتغال زنان روستایی ایران در بخش خدمات. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸(۳۲): ص ۱-۱۰.
- رحمانی، بیژن، عبدالرضا رحمانی فضلی، حسنعلی فرجی سبکبار و مهرانگیز رضائی (۱۳۹۴). تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی اشتغال در سکونتگاه‌های روستایی (موردپژوهی: نواحی روستایی استان اصفهان)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵(۲۰): ص ۸۰-۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۳). قانون برنامه هفت ساله دوم عمرانی کشور (۱۳۳۴-۱۳۴۱)، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۷). تدوین برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستایی و ستاهای هدف بخش مرکزی شهرستان بویراحمد. جلد اول: کلیات برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستایی. شرکت مهندسی مشاور نقش بوستان گستر.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان (۱۳۹۶). طرح توسعه اقتصادی و اشتغال زایی روستایی استان. معاونت هماهنگی برنامه و بودجه.
- طالشی، مصطفی و سیدیا سر حکیم دوست (۱۳۹۸). تحلیل فضایی توسعه یافتگی مناطق روستایی با تأکید بر نقش آفرینی اشتغال زنان روستایی در شهرستان رامسر، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)، ۱۴(۲): ص ۴۸۹-۴۷۳.

- فرجی سبکبار، حسن، بهرام هاجری، ذبیح اله ترابی و نادر ملایی (۱۳۹۵). تحلیل فضایی الگوی اشتغال زنان در بخش های عمده فعالیت سکونتگاه های روستایی ایران، *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی (چشم انداز جغرافیایی)*، ۱۱(۳۴): ص ۳۱-۱۷.
- قدیری معصوم، مجتبی و آئیژ عزمی (۱۳۸۹). تحولات اشتغال روستایی و بررسی عوامل موثر بر آن، *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی (چشم انداز جغرافیایی)*، ۵(۱۰): ص ۱۱۹-۱۰۱.
- قدیری معصوم، مجتبی، مسعود مهدوی حاجیلویی و حسین اسماعیل نیا (۱۳۸۳). توسعه اشتغال در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان لاهیجان)، *پژوهش های جغرافیایی*، ۳۶(۴۸): ص ۱۵۸-۱۳۹.
- محمدجانی، اسماعیل و نازنین یزدانیان (۱۳۹۳). تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریتی آن، *فصلنامه روند*، ۶۵ و ۶۶: ص ۱۴۴-۱۱۷.
- مرکز آمار ایران. *آمارهای جمعیتی و اجتماعی*. قابل دسترسی از: <https://www.amar.org.ir>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن: ۱۳۹۵*. قابل دسترسی در: <https://www.amar.org.ir>
- ناصری، علیرضا، مهدی باسزا، محمد حسن زاده و ارشک مسایلی (۱۳۸۸). بررسی تاثیر هزینه های مختلف دولت بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق روستایی ایران، *پژوهش های رشد و توسعه پایدار (پژوهش های اقتصادی)*، ۹(۴): ص ۶۴-۴۱.
- Bhalla, G. S. and Hazell, P. (2003). Rural Employment and Poverty: Strategies to Eliminate Rural Poverty within a Generation, *Economic and Political Weekly*, 38(33), 3473-3484.
- Bryden, J., & Bollman, R. (2000). Rural employment in industrialised countries, *Agricultural Economics*, 22(2), 185-197.
- Clark, J. B. (2005) *The Distribution of Wealth: A Theory of Wages, Interest and Profits*. Cosimo Classics, Illustrated Edition, New York.
- Copus, A., Hall, C., Barnes, A., Dalton, G., Cook, P., Weingarten, P., Baum, S., Stange, H., Lindner, Ch., Hill, A., Eiden, G., McQuaid, R., Grieg, M., & Johansson, M. (2006). *Study on Employment in Rural Areas*. European Commission Directorate General for Agriculture, Unit F.3. Consistency of Rural Development.
- de Luca, L.) 2011). *The ILO's Rural Employment and Decent Work Programme*. Available at: https://www.ilo.org/employment/units/rural-development/WCMS_158583/lang--en/index.htm
- Foster, A. (2012). Creating Good Employment Opportunities for the Rural Sector, *Asian Development Review*, 29(1), 1-28.
- Pavel, A., & Moldovan, O. (2019). Determining Local Economic Development in the Rural Areas of Romania. Exploring the Role of Exogenous Factors, *Sustainability*, 11(1), 1-24.

- Productivity Commission (1998). *Aspects of Structural Change in Australia*, Research Report, AusInfo, Canberra.
- Rural Institute (2019). *Employment disparity grows for rural Americans with disability*. University of Montana.
- Sabreen, M., & Behera, D. K. (2020). Changing Structure of Rural Employment in Bihar: Issues and Challenges, *The Indian Journal of Labour Economics*, 1-13.
- Xu, D., Deng, X., Guo, S., & Liu, S. (2019). Labor migration and farmland abandonment in rural China: Empirical results and policy implications, *Journal of Environmental Management*, 232, 738-750.
- <https://www.mporg.ir/portal>
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/02/11/2001718/>
- <https://www.irna.ir/news/83270496>
- <https://www.isna.ir/news/99072921193>
- <https://www.mehrnews.com>
- <https://www.golestanmporg.ir/akhbar/1818>
- <https://www.irna.ir/news/837702711>
- <https://nnt.sci.org.ir/>

